

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۱۳

آبان ۱۳۷۰

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

گزارش مجمع عمومی

کنندگان در جلسه از آلمان و دیگر کشورها کمتر از بار قبل است و گویا عدوی از رفقا بعلاست دلسردی از چشم انداز کار، بجای فعال کردن خود و رابطه شان با یکدیگر کنار کشیده‌اند. ابراز تاسف کرد.

محور کار در ۸ ماه گذشته که بر اساس پلانفرم سابق انجمن انتشار سه شماره نشریه و برگزاری سه جلسه سخنرانی از طرف سه نفر بقیه در صفحه ۲

انعکاس مسائل و مشکلات کارگران ایران در خارج از کشور تعریف می‌کرد، نتوانست با نظر دومی که بر رابطه گیری فعال با کارگران بومی هر کشور انگشت می‌گذاشت و ایجاد تشکلی جداز تشکل های کارگران بومی را ناسیونالیسم، فرقه کرایبی و ارض خود می دانست و بدون ارائه طرح عملی جلسه را ترك کرده بود به نتیجه شخصی برسد. ثانياً از اینکه تعداد شرکت

در چهارمین مجمع عمومی انجمن که در تاریخ ۲۸ و ۲۹ بولی ۹۱ انجام شد بعد از معرفی پستان جدید بنا به برنامه از پیش اعلام شده، تنها یکی از اعضا هیئت اجرایی گزارشی از ارایه های ۸ ماهه انجمن ارائه داد. وی مقدمتاً اشاره به مسئله ای که در رابطه با مجمع عمومی قبلی پیش آمده بود گفت که بحیثیت بایندگان دو نظری که اولی فعالیت عمدتاً را

مروری بر تشکلهای کارگری ایران و موانع موجود بر تشکلیابی آنان

خلاصه متن سخنرانی رفیق یدالله خسروشاهی

در آن شرکت کرده بودند، پس از پایان بخش اول سخنرانی، نظرات خود را ابراز داشته و سؤالاتی از سخنران کردند که سخنران در بخش پایانی صحبت‌های خود به این سؤالات پاسخ گفت. بدلیل طولانی بودن بین سخنرانی، ما بخشهایی از آنرا در اینجا می‌آوریم.

رفیق یدالله قسمت نخست سخنان خود را به تاریخچه کوتاهی از تجربه سندیکائی کارگران ایران و شکستها و پیروزیهای آنان اختصاص داد، در قسمت دوم به پرست‌های حاضرین پاسخ گفت و در انتها به موانع موجود بر تشکلیابی کارگران پرداخت. ما ذیلاً تلخیصی از سخنان وی را در اینجا درج می‌کنیم:

تجربه سندیکائی کارگری از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۹ بدست آمد، کد آنرا بررسی می‌کنیم. با بهم پیوستن ۱۰ اتحادیه صنفی (اتحادیه‌های چاپخانه‌ها، کفاشها، نانوبان و...) يك اتحادیه صنف در تهران بوجود آمد و پس از مدتی با پیوستن چند اتحادیه دیگر به آن، اتحادیه سراسری کارگران صنف ایجاد شد. در آنروایجان تشکلهای کارگری زیر نظر حزب کمونیست بود و در رشت و انزلی هم ماهیگیران و کارگران بنادر از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۰ اتحادیه داشتند. بقیه در صفحه ۲

توضیح: انجمن کارگران تبعیدی در سومین بحث کارگری

در شهر هانوفر، جلسهای سخنرانی توسط رفیق یدالله با همکاری انجمن همبستگی با مبارزات مردم ایران در این شهر برگزار کرد. در این سخنرانی که تعدادی از اعضا انجمن و علاقمندان به این بحث

اعتصاب در صنایع نفت

در صفحه ۵

فراخوان به اتحادیه‌های کارگری

پیدایش و رشد اتحادیه های صنفی - کارگری در بریتانیا مصاحبه با آلن تورنت یکی از فعالین جنبش کارگری بریتانیا

اخبار کارگری

حق تشکل مستقل، کلیدی ترین مطالبه کارگری

پلانفرم انجمن کارگران تبعیدی مجمع عمومی بولی ۹۱

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

گزارش مجمع عمومی

دنباله از صفحه ۱

از رفقای انجمن بود، در رابطه با ۱- تجربیات کارگری قبل و بعد از بهمن ۵۷، ۲- مبارزات کارگران در صنعت چاپ ۳- مبارزات کارگران نفت در گذشته و حال در شهرهای هانوفر و برلین برگزار شد. اما متأسفانه به بحث های جالب و مهم مطرح شده در این جلسات دامن زده نشد و نتیجه ای که شایسته کار با ارزش سخنرانان باشد از آن اتخاذ نگردید. در رابطه با گسترش تماس با اتحادیهها، جزوی تکمیل و ترجمه شده به زبان آلمانی تحت عنوان رژیم اسلامی و کفرانس بین المللی کار به همراه قطعنامه ای که در آن از اتحادیه های کارگری خواسته شده که به اخراج هیئت ضد کارگری جمهوری اسلامی از این کفرانس جامه عمل ببوشانند. و اساسی بیش از ۵۰۰ کارگر اعدام شده به شاخه های مختلف اتحادیه سراسری کارگری آلمان در هانوفر، برمن، فرانکفورت، کاسل، و بعلاوه به نشریه مثال و بخش بین المللی این اتحادیه در دوسلدرف فرستاده شد. از جمله دیگر فعالیتهای صدور اعلامیه ای در رابطه با حمایت از نمایندگان کارگران اپل بوخوم و ارسال ۱۰۰ تارک کک مالی برای کمیته همبستگی با این نمایندگان توسط واحد هانوفر، ارسال تلکس حمایت از مبارزات کارگران معدن ترکیه، ارسال اعلامیه معرفی انجمن به رادیو اسرائیل، ارسال مدارک آلمانی زبان انجمن برای رادیویی در جنوب سوئیس، صدور اعلامیه مشترک و همکاری با کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران در رابطه با برگزاری اول ماه مه در هانوفر، پخش اعلامیه آلمانی در مراسم اول ماه مه این شهر، همکاری با هیئت اعتراضی به سفر رفسنجانی هانوفر و امضای اعلامیه مشترک در این مورد. پس از پایان گزارش هیئت اجرایی که توأم با گزارش واحدهانفر دادمشد، برخورد بهیلاتفرم پیشنهادی رفقای انگلیس در دستور کار قرارگرفت که متن کامل تصویب شدهی آن در همین

شماره نشریه آورده شد. گزارش واحد انگلیس نیز توسط یکی از این رفقا که خود در جلسه حضور داشت دادمشد که مستقلاً همین شماره آمده است.

در رابطه با یکی از موضوعات مهمی که دستور کار مجمع عمومی این دوره قرار داشت یعنی فعالیت برای اخراج نمایندگان حکومت اسلامی از کفرانس بین المللی کار گفته شد که با توجه به اینکه تاکنون جمعی از اتحادیه های کارگری در اتریش، سوئد، فنلاند، انگلیس، آمریکا به سرکوب فعالیتهای اتحادیه ای در ایران اعتراض کس کرده و در قطعنامه هایی جمهوری اسلامی را محکوم نمودند و حکومت اسلامی در جواب به این اعتراضات هیئت هایی را به این کشورها فرستاده و سعی کرده ادعاهای معترضین را بی اساس و توطئه ضد انقلاب جلوه دهد. بعلاوه با توجه به بازدید چهارماه پیش هیئتی از کفرانس بین المللی کار از خانه کارگر و چند کارخانه در ایران بر لزوم و اهمیت کار متمرکز بر روی مسئله کک کیسری از اتحادیهها برای اخراج تاکید گردید و قراربراین شد که قطعنامه ای با مضمون زیر تهیه گردد که حکومت ایران بسیاری از قوانین مصوبه کفرانس بین المللی کار را به بدترین وجهی زیر پا گذاشته و امضاکندگانی این قطعنامه حاضرند برای تحقیق صحت و سقم این ادعا، خود به همراه هیئتی از کفرانس کار به ایران سفر کنند، مبنی براین پیش شرط که امنستی جان این افراد و خانوادههایشان را در ایران تامین کند.

بعلاوه پیشنهاد گردید که آثار و اسناد جنایات جمهوری اسلامی با نکر تعداد دستگیریها و ایعدامها و اعتصابهای سرکوب شده، عکس و زندگینامه هایی از کارگران اعدام شده را جمع آوری نموده و بشکل نمایشگاه مستندی برپاگردد. خیرتایید نشده از کیهان هوایی مبنی براینکه کمالی به سمت ریاست وزرای بین المللی کار انتخاب شده و جلسه سال ۹۳ کفرانس کار احتمالاً در تهران

برگزار خواهد شد، انگیزه پیشنهاداتی گردید که در اعتراض به این تصمیم گریه داده شد.

دستور کار بعدی جلسه ایجاد صندوق تعاونی جدا از صندوق مالی انجمن بود که با توافق عمومی دوستان حاضر در جلسه روبرو شد و دو نفر مسئول اصلی و یک نفر عضو علی البدل آن انتخاب شده و قرار شد که یک نفر نیز از جمع هیئت هماهنگی در جمع مسئولین صندوق انجام وظیفه کند. بعلاوه پیشنهاداتی نیز برای تامین مالی آن از جمله بعهده گرفتن فروش غذا در مراسم داده شد. در رابطه با فعالیتهای دورهای انجمن ابتدا یکی از رفقا از برلین با اشاره به سکوت اتحادیه های کارگری آلمان درحالیکه اتحادیهها در دیگر کشورها متاثر از مشکلات و مسائل روزمره کارگران ایران قطعنامه های اعتراضی صادر کردهاند، لزوم فعالترشدن در این رابطه را خاطرنشان کرد و قطعنامه پیشنهادی خود را برای اینکه در اختیار اتحادیههای کارگری آلمان قرار بگیرد ارائه داد که متن کامل آنرا در همین شماره نشریه میخوانید.

رئوس دیگر پیشنهادات به قرار زیرند:

- برقراری تماس با اتحادیههای کارگری و نشریات این اتحادیه ها برای انعکاس مسائل کارگری ایران.
- تماس با تک تک اعضا رهبری اتحادیهها و کسب گیری از آنان در رابطه با اخراج هیئت جمهوری اسلامی از کفرانس کار.
- عضویت در اتحادیهها و شرکت منظم در جلساتشان، باتذکر این نکته که در کنار تماس با هر اتحادیه ای لازم است که تاریخچه و مسائل درگیر آن رشته صنعتی مورد مطالبه قرار گیرد. بدین منظور لازم است که جزوات اطلاعاتی درباره اتحادیهها ترجمه شدصدا اختیار علاقمندان قرار گیرد. بعلاوه نتایج تماس

بربیات حاصل از این تماسها نوشته شده و بد برخورد فعال قرارگیرد.

باساسی عناصر رادیکال این اتحادیهها و در صورت کان برگزاری صاحبها آنان بمنظور بهره‌مندی از بربیاتشان.

فاس باشخصیتهای بین المللی، نویسندگان و باهران و هنرمندان و همچنین نمایندگان رادیکال پارلمان و گرفتن قول طرح مسایل ما در پارلمان فاس با رادیوها و مطبوعات بمنظور انعکاسی نوشتنها و اخبارگزاری ایران.

بهمه عکس و زندگینامه کارگران اعدام شده ترجمه ارسال آنان به اتحادیههای کارگری (ما در همین با از این فرصت استفاده کرده همه دوستان را فرا می‌خواهیم تا در صورت دسترسی به چنین مدارکی آنها برای ما ارسال دارند)

برپایی تظاهرات ایستاده در برابر مراکز اتحادیه‌ها و یا در صورت لزوم اعتصاب غذا در محل برگزاری شهای همستگی با کارگران دیگر ملیتها بخش قطعنامه های انجمن در برابر محصل گرانجات.

ترجمه بندهایی از قانون کار ایران که منعکس کننده بی حقوقی کارگران ایران باشد.

دادن اسامی کارگران زندانی به سازمان ملل و امنستی.

کک به تماس گیری کارگرانی که اخیرا از ایران خارج شده‌اند با اتحادیههای کارگری بمنظور افشای مشکلات فعلی کارگران ایران.

و بلاخره بمنظور ارتقای سطح آگاهی خود رفقا

کار مطالعاتی و ترجمه جنبشهای کارگری دیگر کشورها و برگزاری جلساتی با مضمون تبادل تجربیات کارگری.

برای پیشبرد بهتر کار واحدها پیشنهاد گردید که گزارش دهی از کارهای انجام شده پیگیرانه دنبال شود و در اختیار تمامی واحدها قرار گیرد. سپس بر روی اختلافات اساسنامه سابق با طرح ارائه شده جدید آن هم مختصری بحث و سپس رای گیری صورت گرفت که تغییرات تصویب شده شامل ۱- تغییر مهلت برگزاری مجمع عمومی از ۶ ماه به یکسال، ۲- عضوگیریهای بعدی فقط تا بید یک نفر از اعضا انجمن را لازم داشته باشد ۳- افزودن " سراسری و مستقل " به مشخصات انجمن ۴- مجمع عمومی بالاترین ارگان انجمن شناخته شود ۵- تسهیلات در عضوگیری کسانی که بدون سابقه کارگری در ایران در خارج کشور بعنوان کارگر کار می‌کنند ۶- حذف بازرسین ۷- تعدیل ارگانها به مجمع عمومی، واحدها، هیئت تحریریه و هیئت هماهنگی ۸- واحدها در تماس گیری خود مختار عمل کنند. بعلاوه انتشار چهار شماره نشریه در عرض یکسال توسط هیئت تحریریه، برگزاری حداقل دو سمینار مسائل کارگری از طرف هیئت هماهنگی و یک سمینار از طرف هر واحد تصویب گردید و بالاخره در پایان نشست دو روزه، اعضا هیئت هماهنگی و تحریریه انتخاب گردیدند.

گزارش کار یکساله واحد انگلیسی

۱- بایرگزاری توره روزه به شمال انگلیس برای تماس با اتحادیه ها که در این رابطه اتحادیههای زیر تماس حاصل شد در جلسات ماهیانه نمایندگان آنها شرکت کرده و مسائل گران ایران را بازگو نموده و همستگی خود را با آنان اعلام کرده ایم.

اتحادیه نانگو دبیر اتحادیه کارگران بندرو کشتیرانی، دبیران اتحادیه راهان، نمایندگان

کنفدراسیون اتحادیه های شهرداریهای شمال انگلستان، نمایندگان کارگران فنی اتحادیه معگلو نمایندگان شورای بیگران شهر نیوکاسل، نمایندگان کارگران سکوهای حفاری نفت انگلستان، معاون دبیرکل اتحادیه معادن نغال سنگ انگلستان که پیاز پایان جلسه با ایشان مدارکهای یادبود به انجمن اهدا گردید.

ضمنا از طرف انجمن اطلاعاتی به

تمامی اتحادیه هاداده شد و از آنها خواسته شد که در شب همبستگی کارگران ایران انگلیس شرکت کنند. این مراسم در شب آخر برگزار گردید که تعدادی از نمایندگان در آن شرکت کرده و چند ساعتی در مورد مسائل مختلف کارگری صحبت شد و از آنان باشام و نوشیدنی پذیرائی گردید.

ضمنا پس از بازگشت به تمامی اتحادیهها نامهای تشکر آمیز نوشتیم و از آنها خواستیم که نشریه ماهیانه خود را برایمان بفرستند که آنها اینکار را کردند. ضمنا از طرف دو شعبه از اتحادیه نعلگوبه انجمن کک مالی گردید.

۲- صاحبه با معاون دبیرکل اتحادیه معادن نغال سنگ که در نشریه شماره ۱۱ آورده شد.

۳- با تقاضای انجمن جلسه ای برای آشنائی با اتحادیه T&G در یکی از شعبات آن باشکرت اعضا انجمن برگزار گردید که یکی از مسئولین این اتحادیه حدود ۶ ساعت وضعیت کلی اتحادیه T&G را بازگو کرد و نشریاتی در این رابطه به اعضا انجمن داده شد.

۴- شرکت در کنفرانس سالیانه اتحادیههای کارگری ۱۴ کشور که در لندن برگزار شد و سخنرانی یکساعته نماینده انجمن در ارتباط با مسائل کارگری ایران و بریتانیا و جلب همبستگی در این رابطه.

۵- شرکت در کنفرانس سالیانه جنبش سوسیالیستی درون اتحادیه های کارگری انگلیس که حدود ۲۰ نفر از نمایندگان شرکت داشتند و نماینده انجمن بمدت یک ساعت در مورد مسائل کارگران ایران و چگونگی ایجاد رابطه گسترده تر در میان کارگران کشورهای مختلف و همچنین وضع فعلی اتحادیه های انگلستان صحبت کرد.

۶- صاحبه بانشریات مختلف در مورد وضع کارگران ایران از جمله نشریه کارگران اتحادیه نعلگو، نشریه اتحادیه کارگران بندرو کشتیرانی، نشریه کارگران سکوهای حفاری نفت دریسای

انگلیس در مقابل دفتر اتحادیه سراسری انگلیس برگزار کردید .
 ۱۲- شرکت در بیعت مقابل سفارت پاکستان در حمایت از پناهندگان و جلوگیری از استرداد آنان به ایران و دادن قطعنامه‌ای به سفارت پاکستان .
 ضمناً در ارتباط با تصویب قطعنامه پیشنهادی انجمن . توانستیم آن قطعنامه را در اتحادیه نعلگو شعبه شمال به تصویب برسانیم و به کنفرانس سالیانه ایس ان اتحادیه بفرستیم و در این رابطه حمایت چند اتحادیه دیگر را بدست آوریم .

ایرانی و درخواست حمایت آنان از این اعتصاب و بالاخره فرستادن خبرموفقیت آمیز اعتصاب برای آنان .
 ۱۰- دعوت از یکی از فعالین عملی جنبش کارگری انگلیس و برگزاری ۵ جلسه یکساعته که اعضا انجمن و تعداد دیگری از دوستداران جنبش کارگری در این جلسات شرکت کردند (موضوع جلسه چگونگی پیدایش اتحادیه‌های کارگری انگلیس از جنگ جهانی اول تا وضعیت فعلی آن بود) .
 ۱۱- شرکت اعضا انجمن در آکسیون ضد جنگ خلیج که به دعوت چند اتحادیه کارگری

Workers Peress شمال، نشریه
 ۷- شرکت چند نفر از اعضا انجمن در راه پیمائی اول ماه مه نیوکاسل و قرائت پیام انجمن در این جشن .
 ۸- شرکت انجمن در شب همبستگی کارگران ، در اول ماه مه در لندن تعدادی از نمایندگان کارگران انگلیس ، شیلی، ترکیه و چند کشور دیگر شرکت داشتند .
 ۹- انتشار خبر اعتصاب سراسری کارگران نفت و فرستادن آن به تمامی اتحادیه های انگلیس . و درج آن در نشریات اتحادیه ها و همچنین فرستادن آن برای سازمانهای مختلف

پلاتفرم انجمن کارگران تبعیدی مجمع عمومی یولی ۹۱

از کارگران پناهنده و مهاجر برزیم .

اهداف ما بقرار زیر است :

- ۱- تلاش برای متشکل کردن کلیه کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی
- ۲- تلاش برای جلب حمایت تشکلهای کارگری جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری در ایران .
- ۳- جلب همبستگی تمامی کارگران ، اتحادیه‌های کارگری، شخصیتها، گروهها و احزاب مترقی و کسب حمایت آنان از مبارزات کارگران ایران جهت داشتن حق تشکل مستقل و حق اعتصاب .
- ۴- تلاش جهت بالا بردن سطح آگاهی طبقاتی، سیاسی و تشکیلاتی اعضا با استفاده از تجارب مبارزاتی خود و کارگران سایر کشورها .
- ۵- ایجاد همبستگی عملی و دفاع فعال از خواسته ها و مبارزات کارگران دیگر کشورها .

انقلاب بهمن ماه ۵۷ با استقرار رژیم ننگین جمهوری اسلامی به شکست انجامید . دلایل زیادی سبب این شکست شدند که از آن جمله میتوان به عدم وجود سنن پایدار مبارزات کارگری ، نبود یک تشکل قدرتمند سراسری کارگران و عدم وجود حزب طبقه کارگر اشاره کرد ، کارگران که با تمام وجود طعم تلخ این شکست را چشیده‌اند با گذشت بیش از یکدهه ضمن کسب تجارب ارزشمند در تمامی زمینه‌های مبارزاتی خود را مجدداً سازماندهی می‌کنند .
 در این هنگام که کارگران کشورمان در دشوارترین شرایط زیستی و مبارزاتی خود بسر می‌برند ، از حق داشتن تشکل مستقل و حق اعتصاب محرومند ، زنان کارگر در شرایط بسیار بدتری قرار دارند . اکنون که گرایشات گوناگونی در جهت نفی مبارزه طبقاتی کارگران شکل گرفته که اصولاً " وحدت و سازمانیابی این طبقه را به نفع خود نمی دانند ما گروهی از کارگران که بناچار مجبور به ترک ایران شدیم و در کشورهای مختلف بسر می‌بریم ، در پیوند با کارگران داخل برآن شدیم که برای رسیدن به اهداف زیر دست به تشکیل انجمنی متشکل

بانشانی‌های زیر با ما مکاتبه کنید :

IRANIAN REFUGEE WORKERS
 ASSOCIATION
 c/o 12/14 Thornton Street
 London SW9 0BL

دفتر مرکزی: آلمان فدرال
 Postlagerkarte
 Nr. 042037 B
 6230 Frankfurt a/M 80
 W. Germany

اخبار کارگری

اعتصاب در صنایع نفت

★ هلند:

کارگران هلندی برای اعتراضی به کاهش هزینههای تامین اجتماعی مربوط به بیماری و از کارافتادگی دست به يك اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب در روز سه شنبه ۱۷ سپتامبر و همزمان با گشایش پارلمان توسط ملکه بتاتریس بود.

بیش از ۱۰۰۰۰ (ده هزار) کارگر که عمدتاً در صنایع رتردام کار می کنند در این اعتصاب شرکت داشتند. بسیاری از کارکنان اتوبوسرانی بویژه در محلات، کار را به مدت ۲۴ ساعت تعطیل کردند. تا اواسط روز حدود ۲۵۰ هزار نفر در رتردام و ۱۰ هزار نفر در آستردام برای تماشای سخنرانی ملکه بتاتریس که از جمله شامل کاهش هزینههای مربوطه می شد، جمع شده بودند.

بیش از ۴ میلیون کارگر به مدت ۲ ساعت و یا بیشتر برای تماشای سخنرانی ملکه دست از کار کشیده و با جمع شدن در ۲۰ محل کار عملاً به اعتصاب پیوستند.

قرار بر این است که هزینههای مربوط به بیماری ۳۰ درصد کاهش یابد و مستمری از کارافتادگان به ۷۰ درصد میزان حداقل دستمزد کاهش یابد.

"دولت رفاه" در هلند معمولاً به عنوان نمونهای از ثمرات سرمایهداری در مقابل کشورهای اروپای شرقی و ملت های نیمه مستعمره قرار داده می شود.

معمولاً اعتصاب در هلند زیاد روی نمی دهد اما کارگران هلندی چاره ای ندارند جز آنکه برای حفظ مزایایی که در گذشته بدست آورده اند مبارزه کنند.

★ يك خبر

طبق اطلاع رسیده از واحد انجمن در انگلستان، اکثریت اعضا این واحد از تاریخ ۲۵/۹/۹۱ دوره دو ساله ای را در پلی تکنیک لندن شروع کرده اند، نام این دوره درسی اتحادیه ها و جنبش کارگری است که شامل دروسی در مورد جنبش کارگران کشورهای اروپا، آمریکا، آمریکای لاتین، و خاور میانه است و نظرات شخصیت های مختلف را در مورد جنبش اتحادیه ای بیان داشته، از جمله نظرات مارکس، لنین، کرامشی، روزالوکزامبورگ و غیره — پس از پایان دوره دو ساله کسانی که موفق به دریافت مدرک شوند می توانند وارد دانشگاه شده و دوره عالی این دروس را ادامه دهند.

کارگران صنعت نفت پالایشگاه هشتم اراک، پالایشگاه های اصفهان و تهران و همچنین تأسیسات مسجد سلیمان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران همچنین تلمبه خانه بید بلند در استان خوزستان را نیز به تعطیل کشانده است.

رژیم جمهوری اسلامی اخبار مربوط به این اعتصابات را سانسور می کند و تنها به پارهای دشواریها و نارسایی ها در کار تانکرها و دیگر وسایل حمل و توزیع مواد نفتی اشاره می کند. از اوایل ماه اکتبر (اواسط مهرماه) کمبود نفت و بنزین بسیاری از شهرهای ایران را در بر گرفته است.

علاوه بر اعتصاب کارگران نفت، مجتمع صنعتی اراک (این مجتمع کارخانه ماشین سازی و بسیاری از صنایع دیگر را در برمی گیرد) در اثر اعتصاب کارگران فلج شده است. اعتصاب کارگران این مجتمع به عنوان اعتراضی به افزایش مداوم و سرسام آور قیمت ها و سطح پائین دستمزد ها صورت گرفته است.

بعد از آغاز اعتصاب، حسن حبیبی معاون رفسنجانی به شهر صنعتی اراک، رفت تا کارگران را وادار به شکستن اعتصاب نماید، اما کارگران او را در مقابل شعارهای دستجمعی خود قرار دادند و وی ناگزیر به ترك مجتمع صنعتی شد.

★ آلمان: سطح پائین دستمزدها

Augsburg: برطبق آمارگیری انستیتوی اقتصاد و علوم اجتماعی اتحادیه کارگری آلمان (DGB) به این نتیجه رسیده است که کارگران فلزکار در شرق آلمان (آلمان شرقی سابق) در استان (Sachsen) سالانه ۶/۶۲٪ حقوق همکاران خود در استان بایرن (آلمان غربی) با در نظر گرفتن حتی ساعت کار بیشتر و تعطیلات کمتر دریافت میکنند. اگر نگرفتن پول تعطیلات سالانه، حق اضافه کاری، دریافت فقط ۲۰٪ عیدی را در نظر بگیریم، حقوق این کارگران عموماً "۳۹/۹٪ حقوق همکار مشابه خود در غرب آلمان خواهد بود.

منبع خبر 9 Das Otv Magazin Nr. September / 1991

مروری بر تشکلهای کارگری ایران و موانع موجود بر تشکلیابی آنان

سخنرانی رفیق یدالله خسروشاهی

دنباله از صفحه ۱

پیوستن این اتحادیهها به اتحادیه سراسری، اتحادیه سراسری کارگران تهران و شهرها بوجود آمد. در سال ۱۳۰۱ این اتحادیهها به سندیکای سرخ پیوستند که نماینده آن محمد دهقان بود. از ۱۳۰۴ دولت اتحادیهها را غیر قانونی اعلام کرد. حزب کمونیست به منظور ایجاد تشکلهای کارگری افرادی را به درون کارگران نفت میفرستاد. در سال ۱۳۰۶ يك تشکل نیمه مخفی در نفت شکل گرفت که این تشکل با گذاشتن کفرانها خواستههایی را از طرف کارگران اعلام میکند. اول ماه مه برای اولین بار در سال ۱۳۰۸ مطرح میشود. در ۹ شهریور ۱۳۰۸ دولت ۹۰ نفر از کارگران را دستگیر میکند. روز ۱۴ اردیبهشت اعتصاب سراسری میشود و همان شب انگلیسیها (که جنوب ایران زیر نظر آنها بود) ۳۰۰ نفر را دستگیر میکنند. اعتصابات کارخانجات نساجی وطن در اصفهان (برای افزایش حقوق و کم کردن ساعات کار) و جاهای دیگر شکل میگیرد، و در سال ۱۳۱۰ دولت تشکلهای کارگری را ممنوع اعلام میکند و رهبران اصلی آنها، از جمله علی امید، خلیل انقلاب، اماد و یوسف افتخاری را زندانی میکند. چون جنبش کارگری نوپا بود، سرکوب آن نیروی عظیمی لازم نداشت.

در شهریور ۲۰، با آزاد شدن زندانیان سیاسی، رهبران کارگری هم آزاد میشوند. آنها برای سازماندهی کارگران نفت کسار را شروع میکنند. حزب توده در بخشهای شمالی کشور فعال بود، که اتحادیههایی را بنیان میگذارند که از پیوستن آنها اتحادیه سراسری بوجود میآید، که بیشتر در شمال و خراسان فعال بودند. در وضعیت جنگی جنگ جهانی دوم، حزب توده از طریق اتحادیههای زیر نظر خودش از تمام حرکتها صنف جلوگیری میکند. اتحادیههایی که زیر نظر علی امید و دیگران بودند (مانند اسلحه سازی، نفت کرمانشاه، نفت آبادان) اعتصابات را راه میاندازند. حزب توده، که از شوروی جانبداری میکرد در مبارزات کارگری جانب شوروی را میگرفت و مانع مبارزات کارگری بود و همیشه برای شوروی ارجحیت قائل میشد. با پیوستن علی امید به حزب توده، اکثریت قریب به اتفاق کارخانجات زیر چتر حزب توده میروند و این حزب تا پایان جنگ نمیگذارد اعتصابی در نفت و راه آهن صورت بگیرد.

در ۱۳۲۳ (توریه کامل شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان با حزب توده بود. در این شورا صدور ۲۳۰ هزار نفر کارگر کرد آمده بودند که ۵۰ درصد کارگران ایران را در بر

میگرفت. در سال ۲۳ غیر از نفت و راه آهن حدود ۱۳۰ مورد اعتصاب صورت میگیرد.

در سال ۲۵، در ۱۸۶ اتحادیه مجموعاً ۲۳۵ هزار نفر عضو شورای اتحادیه مرکزی بودند. در اول ماه مه این سال شورا حدود ۷۰۰ هزار نفر را به راهپیمائی کشاند که در آن زمان رقم بزرگی بود. اعتصاب ۱۴ روزه نفت در همین سال راه افتاد که در درگیری آن تعدادی کشته و زخمی میشوند. در این اعتصاب خواستهها علاوه بر اقتصادی، دو خواسته سیاسی هم هست. منحل شدن دستگاه امنیتی شرکت نفت (که زیر نظر دولت انگلیس بود)، - تعویض استاندار خوزستان. اکثریت رهبران اتحادیهها از منتخبین حزب توده و اکثر "از اعضا کمیته مرکزی این حزب بودند و خود کارگران نبودند که حرکتی را به پیش ببرند. تعدادی از اینها به همراه عمدهای از طرف دولت قوام مأمور میشوند که به خوزستان رفته و اعتصاب کارگران را بخوابانند. نکته دیگری که باعث شکست بود، این بود که دولت شوروی نیروهای خودش را از آذربایجان بیرون کشید و خود مختاری آذربایجان به شکست انجامید.

قوام برای عقب راندن حزب توده و شورای متحد مرکزی قانون کسار ۱۳۲۵ را به مورد اجرا میگذارد و به تمام کلویهای کارگری حمله میبرد و اکثر نمایندگان کارگران را دستگیر، تبعید و زندانی میکند. علی امید که فردی مورد قبول کارگران بود، در این مقطع ناپدید میشود. او يك کارگر بود و مانند خلیل انقلاب و دیگران نبود که از شوروی برای سازماندهی کارگران آمده باشد.

مسئله مهمی که در این دوره باید به آن اشاره کرد، پیوستن شورای متحد مرکزی به کنفرانس بین المللی کار است که برای اولین بار صورت گرفت. شورای متحد مرکزی با توجه به قدرتی که داشت رئیس هیئت مدیره کنفرانس بین المللی کار را وادار میکند توسط هیئتی از وضعیت کارگران ایران بازدید به عمل آورند. در این دوره (سال ۱۳۲۵) لویی سایان دبیر کل کنفرانس بین المللی کار بود.

اگر به علل شکست این دوره دقت کنیم، علت اصلی را باید در تابعیت اتحادیهها از حزب توده جستجو کرد. باید گفت که این حزب در درون اتحادیهها برنامه کار آنها را تعیین نمیکرد، بلکه اتحادیهها در مسیر حرکتی حزب پیش میرفتند. هیچ تشکل مستقل،

که بدست خود کارگران پیش برده شود، وجود نداشت. مرز مشخصی هم بین اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی موجود نبود.

پس از این سرکوب جنبش کارگری، دولت يك اتحادیه به نام اسکی (اتحادیه سراسری کارگران و کشاورزان) با همکاری یوسف افشاری بوجود می‌آورد. با اینکه این اتحادیه زرد وجود دارد، با این همه در این شرایط کارگران جدای از این اتحادیه زرد حرکتها و اعتصابات مشخصی را عملی می‌سازند.

پس از سرکوب حزب توده و متواری و زندانی شدن رهبرانش، به مرحله‌ جدیدی می‌رسیم. ملی شدن صنعت نفت، ترور رزم آرا و روی کار آمدن علاء در اسفند ۱۳۲۹ شرایطی را ایجاد می‌کند که اکثریت قریب به اتفاق کارگران نفت جنوب طولانی‌ترین اعتصاب را عملی سازند. این يك حرکت مستقل کارگری بود که رهبری آن زیر نظر هیچ حزبی نبود. اعتصاب تا ۱۴ اردیبهشت و سرنگونی دولت علاء و رسیدن مصدق به نخست وزیری ادامه می‌یابد. علیرغم جو سرکوب و اختناق حاکم، مردم از اعتصاب حمایت می‌کنند و دانشجویان و دانش آموزان به حمایت از آن متینگهایی برگزار می‌کنند و در اصفهان و شهرهای مختلف حرکتهایی انجام می‌شود. با بستن فروشگاههای مواد غذایی شرکت نفت، سیل مواد غذایی از طرف مردم برای کارگران سرازیر می‌شود. در این حرکت سازش حزبی وجود نداشت و حرکت ادامه یافت.

در ۱۷ فروردین کسروازی شاهی، ۱۴ اردیبهشت دخانیات تهران، ۹ خرداد کارخانه‌های هراتی و درخشان یزد اعتصاب می‌کنند و حرکتی در مسجد سلیمان صورت می‌گیرد که بشدت سرکوب می‌شود. کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و تبعیدها موجب يك رکود نسبی است. البته صنوف حرکتهایی داشت، ولی دولت در نفت و رامان جلوی هر حرکتی را می‌گیرد. در این شرایط کسه نمی‌گذاشتند اتحادیه و سندیکا درست شود، جنبش انتخاب نماینده از طرف کارگران طرح می‌شود.

در سال ۴۳ اولین پیمان دستجمعی کارکنان نفت از طرف کارگران مطرح شد و برای اولین بار تعدادی از نمایندگان کارگران را به عنوان نماینده سندیکائی به وزارت کار معرفی کردند. این امر آغازی برای تشکیل اتحادیه‌های کارگران نفت جنوب بود. سندیکاهائی هم در تهران و تبریز ساخته شوند. به خاطر اینکه کارگران دست به حرکتی نزنند، تا مقطع انقلاب بهمن، اغلب کسانی که در رأس سندیکاها بودند، وابسته به ساواک بودند و یا با ساواک همکاری می‌کردند.

حزب رستاخیز سازمان کارگران را ساخت، که نمایندگان کارگران را جمع می‌کرد و برایشان مشغولیات درست می‌کرد. آنها را از محیط کار و کارگران دور می‌ساخت و بعضی از آنها که بیشتر به دولت خدمت می‌کردند، نماینده مجلس می‌شدند. بعضی‌شان به کنفرانس بین‌المللی کار فرستاده می‌شدند و یا در شورایی عالی کار، بازرس بیمه‌ها، اجتماعی و یا در شورای حل اختلاف مشغول می‌شدند. یعنی سازمان کارگران به اینها چشم اندازی نشان می‌داد که بروند وکیل و ویرو... بشوند و حقوق بیشتری بگیرند. بخاطر همین بود که اتحادیه نقش تعیین کننده نداشت. با وجود این، حرکتهای کارگری جدای از این سندیکاها وجود دارد. در مرحله انقلاب هم کارگران با نفی این سندیکاها حرکت خود را می‌کنند.

در نفت، از سال ۵۳ تعدادی از نمایندگان کارگران که مورد تأییدشان بودند، به سندیکای سراسری نفت و بعداً به شوراها سراسری نفت آمدند. در مرحله انقلاب بهمن کارگران نفت با نفی تشکلهای زرد موجود يك سندیکای سراسری بوجود آوردند و يك روزنامه هم به همین نام منتشر کردند. این سندیکا علنی بود، ولی با دستگیری تعداد زیادی از فعالین آن، ناچار شکل مخفی به خود گرفت.

در پیوستن سندیکاهای خوزستان و شمال يك کمیته مخفی انتخاب شد که متشکل از ۱۴ نفر از افراد مورد قبول کارگران بودند. این افراد نقش رهبری اعتصابات را تا مقطع انقلاب بعهده داشتند. يك دور اعتصابات کارگران مورد حمایت کارمندان قرار نگرفت و باعث شکست شد. دور بعد با اعتصاب کارمندان همراهی شد. اما این مبارزات کارکنان نفت با حرکتها و مبارزات مردم پیوند نداشت و در شرایط حکومت نظامی، اعتصاب فروکش می‌کند. کارگران تعداد دیگری را انتخاب می‌کنند که با ۱۴ نفر قبل ۲۳ نفر می‌شوند. اینها می‌نشینند و نواقص کارها را بررسی می‌کنند، در درون خود يك تقسیم کاری می‌کنند و يك خبر نامه سراسری در می‌آورند. در این تقسیم کار عدای مسئول ارتباط با بازارها، دانشجویان، روحانیون، کارخانه‌ها، اقشار مختلف مردم، برق منطقه‌ای خوزستان و رادیو و تلویزیون تهران می‌شوند. اعتصاب در مقطع انقلاب با موفقیت پیش می‌رود.

نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که کارگران نفت چون با کمبود مالی روبرو بودند، ناچار شدند دست به سوی مردم دراز کنند اول از دانشگاه شروع کردند. بیش از يك میلیون جمع شد، ولی جوابگو نبود. ناچاراً از طریق بعضی‌ها وصل شد به روحانیون و بازار. از این پس سیل پول به سوی نفت سرازیر می‌شود، یکی

از مسئولین بازار در جلسات کمیته مخفی شرکت می‌کند، و کجک این زمره به گوش می‌رسد که کارکنان نفت از زیر درخت سیب دستور می‌گیرند. تا اینجا امامی در کار نبود، ولی مسئله مالی باعث شد که زیر چتر بازار و روحانیت قرار بگیرند. فقدان آگاهی طبقاتی در جنبش نفت، آنرا در مسیری قرار داد که روحانیت می‌خواست. بازرگان از طرف خمینی به نفت آمد و گفت که نفت داخلی را راه بیندازید. چون با مخالفت نفتگران مواجه شد، خمینی نامه رسمی نوشت و به او داد و نفت داخلی راه افتاد. کارگران نفت فکر می‌کردند که جنبش مال خودشان است و به خواسته‌هایشان می‌رسند و هیچ کی جلودارشان نخواهد بود.

همانطور که گفتم، این از بی‌اطلاعی نفتگران، جدا بودنشان از کارگران دیگر و نبود يك سازمان سراسری کارگری سرچشمه می‌گرفت که حتی با درست کردن شوراهای کارگری، فکر می‌کردند که از طریق خمینی می‌توانند به خواسته‌هایشان برسند. آنها فکری نمی‌کردند جنبش آنها توسط روحانیت سرکوب شود، آنها خواسته‌های دمکراتیکی را مطرح می‌کردند، از جمله داشتن نماینده در شورای انقلاب و معرفی نماینده برای مجلس خبرگان، و حتی انتخاب وزیر نفت از طرف خودشان را مطرح کردند. نزیه که امام و بازرگان معرفی‌اش کردند، مورد قبول شوراها نبود. می‌گفتند همانطور که بازرگان منتخب امام است، نزیه هم منتخب امام است. غرضی مورد قبول شوراها بود، که دولت ناچار شد او را روی کار بیاورد.

کارگران نفت دید مشخصی در رابطه با ارتباطگیری با دیگر کارگران کشور نداشتند. تعدادی از آنها دور و بر سازمان فدائیی رفتند و نموداری کشیدند مبنی بر اینکه تهران به چند منطقه تقسیم شود. (شمال، جنوب، غرب، شرق)، خانه‌های کارگر چهارگانه و شوراهای محله و سراسری تشکیل شود و ۰۰۰ البته اینها پیشنهاد بود و دید روشنی وجود نداشت، نه اینها و نه سازمان فدائیی هیچ کدام پیگیری نکردند، تجربه و رهبری کافی وجود نداشت.

نکته دیگری از خود محور بینی کارگران نفت اینکه: بعضی از کارگران مطرح می‌کردند که با فلان اتحادیه و شورا - مثلاً "برق تهران، راناهن و غیره - ارتباط گرفته شود، ولی در جواب گفته می‌شد که آنها بیایند با ما رابطه برقرار کنند! بله کارگران نفت، فکر نمی‌کردند که به تنهایی نمی‌توانند. اگر آگاهی کافی وجود می‌داشت و شوراهای موجود را به یکدیگر پیوند می‌دادند - که کار آسانی هم بود - ، نتیجه خوبی عاید می‌شد. البته در جاهای دیگر هم مثل نفت بود و کارگران بعضی جاها هم مثل نفت فکر می‌کردند. درک - پیوند طبقاتی بین کارگران و تشکیلات سراسری وجود نداشت. این

بود که دولت راحت ضربتاش را می‌زند، البته اول یکی یکی همه را می‌زند، ولی نفت را می‌گذارد برای اواخر سال ۶۰، آن موقع دیگر نفت تنها بود و خیلی راحت آن را جمع می‌کند.

اما با وجود این، همیشه کارگرانی مورد قبول کارگران دیگر هستند، که آنها را در مبارزاتشان رهبری می‌کنند. این است که در زیر سرکوب و اختناق باز هم مبارزات کارگران ادامه دارد. یعنی عدم قبول تشکل از طرف دولت باعث جلوگیری از حرکت کارگران نمی‌شود. سخنران، قسمت بعدی سخنان خود را به پاسخ به سؤالات حاضرین اختصاص داد، که بخشهایی از آن را ذیلاً می‌خوانید.

- قانون کاری که از ۱۳۲۵ به اجرا در آمد و در سال ۱۳۲۸ ترمیم شد، در مورد سه چهارم کارگران ایران پیاده نشد. وقتی جنبش کارگری قوی بود، توانست ۴۸ ساعت کار در هفته را بقبولاند، ولی بعد از سرکوب جنبش کارگری، هنوز ۴۸ ساعت برای اکثریت کارگران قابل اجرا نیست. ۰۰۰ وقتی هنوز تشکلهای کارگری کاملاً از بین نرفته، موج اعتراضی علیه قانون کار توکلی بوجود می‌آید و دولت مجبور می‌شود آن را پس بگیرد. در حالیکه قانون کاری که به تصویب رسیده، هیچ موجی بلند نشده، چرا؟ چون موازنه قدرت وجود ندارد و طبقه کارگر از لحاظ تشکیلاتی و سازماندهی در وضعیت ضعیفی قرار دارد.

توازن قوا خیلی مهم است بهمین دلیل باید تشکیلاتی به وجود بیاوریم تا بتوانیم مثلاً وقتی ۴۰ ساعت کار در هفته در مدت انقلاب در اکثر کارخانهها اجرا شده، بعد از سرکوب هم این ۴۰ ساعت از بین نرود.

بعد از انقلاب اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در رأس حرکات کارگری بودند، بنا به وضعیت و موقعیتشان به يك سازمان یا گروه وابسته بودند، و یا بهتر بگویم گروهها و سازمانها آنها را انتخاب کردند. در جریان انقلاب حرکتهاى کارگری خود جوش بود و هیچ گروه سیاسی در آن دخالت نداشت، اما بعد از انقلاب با توجه به کرایشات مختلف، آن استقلال نسبی که طبقه کارگر داشت از دست رفت. البته این خودش يك موضوع قابل بحث است که چرا این استقلال از دست رفت و چرا در بین کارگران چند دستگی ایجاد شد این یکی فدائی بود، آن یکی پیکاری بود، بعدی مجاهد، آن دیگری تودمى و ۰۰۰ و هر کس حول محور تشکیلات خودش پیش می‌رفت. این باعث شده بود که همبستگی واقعی و عاطفی موجود در بین کارگران شکسته شود. کارگرانی که بیش از ۲۰ سال با هم کار و زندگی کرده بودند و رفت و آمد خانوادگی داشتند، مجبور شدند -

باشیم که طبقه کارگر همین حد از درکی که از مسائل سیاسی به دست آورده و از سازمانهای سیاسی گرفته و اینها در ارتباط با شناخت مسائل طبقاتی شان خیلی مؤثر بوده‌اند. این را نباید فراموش کرد ولی شکل پیش بردنش را هم باید نظر گرفت. اگر هم طبقه کارگر خودش تنها باشد، می‌شود مثل طبقه کارگر انگلستان که هم چنان دنبال حزب کارگر (Labor) می‌بود که یک حزب بورژوازی است. اگر بتوانیم اینها را به یک شکل اصولی تلفیق بدهیم، می‌توانیم قضیه را درست پیش ببریم. یعنی نقش روشنفکران را در رابطه با طبقه کارگر و بردن تفکر طبقاتی به میان طبقه توسط او را تأکید کنیم.

گفتیم که هیچ سازمان سیاسی با طبقه کارگر ارتباط نداشت. در نفت تعدادی از دانشجویان دعوت شدند تا به بجهای تجدیدی درس بدهند و ... اینها به بجهای کارگران درس می‌دادند و چون این کارگران پنجشنبه و جمعه تعطیل بودند. اتوبوس می‌گرفتند و - دستجمعی با اتفاق معلم و شاگرد به حائی می‌رفتند و یا از کارخا‌جات دیگر بازدید عمل می‌آوردند. در این رابطه کارگران برای ارتباط با روشنفکران پیشقدم می‌شوند.

رفیق بدالله، در قسمت بعدی سخنان خود به موانع موجود بر تشکل بانی کارگران پرداخت.

از جنبش تناکو و مشروطیت به این طرف اتحادیه‌های اصناف، مانند اتحادیه‌های پارچه فروشان، آهن فروشان و وجود داشته و هنوز دارند و تمام تجربه‌های خودشان را تا حالا جمع کرده‌اند. تا حالا هیچ ضربی هم نخورده‌اند. اما جنبش کارگری را در نظر بگیریم! در هر مقطعی که خواسته حرکتی بوجود بیاید. اولین کار سرکوب بوده. تمام رهبران را تکه پاره کردند. تجربیات نسل قبلی به نسل بعدی منتقل نشده و همه از صفر باید شروع کنند، مثلاً نفت از سال ۲۵ با طومار نویسی شروع کرد، در - حالیکه تجربیات زیادی در گذشته داشته. همین الان هم روشنفکران ما یک جمعیتی در ارتباط با طبقه کارگر ندارند. مثلاً طبقه کارگر انگلستان کلی تجربه مؤن دارد که در کتابها نوشته شده، کسه ترجمه فارسی‌اش را هم داریم، ولی این جمعیتی را ما نداریم. البته هر کسی برای خودش و بادی خودش چیزهایی نوشته - مثل تریب توده ... آن یکی تروتسکیست بود، بادی خودش، آن یکی یک فرقه دیگر ... باید چنین جمعیتی را تهیه کرد. دوره‌های مختلف، دوران صدق، دوران انقلاب ... باید در تاریخ جنبش کارگری درج شود که چرا نمی‌گذاشتند پیشروان طبقه کارگر تجارشان را به نسل بعدی منتقل کنند؟ چرا پیش برندگان جنبش کارگری را نابود کرده‌اند؟ چرا نمایندگان کارگران را در خوزستان می‌گرفتند و در

این رابطه ها را قطع کنند. مثلاً" در مورد خواست زمینی - کارگران می‌خواستند تحمّن کند، یک عده گفتند اعتصاب و تحمّن حرام. یک عده می‌گفتند جنگ مسلحانه و ... واقعت این بود که نه می‌شد جنگ مسلحانه را پیش برد و نه می‌شد تحمّن حرام را - قبول کرد. رابطه نیروهای سیاسی با شوراها، کارگری، بعد از انقلاب تأسف بار بود.

در حال حاضر تشکل علنی کارگری وجود ندارد. تشکلات اسلامی، تشکلات دینی هستند. اما هسته‌های مخفی هست که از راههای مختلف مسائل خود را پیش می‌برند. شکلهای مختلفی وجود دارد.

دولت در قانون کار خودش انجمن‌های صنفی را برسیست شناخته، که فکر می‌کیم به خاطر فشار کارگران و اعتصابات مکرر آنان مجبور شده آن را بپذیرد. می‌خواهد مثل رژیم گذشته یک تشکل زرد باشد و با اطلاعاتی که از افراد می‌گیرد بگذارد که نماینده‌های بی‌آزاری انتخاب شوند. امکان یک مقدار عقب نشینی دولت در ارتباط با نحوه انتخابات نمایندده وجود دارد که مثلاً "دیگر ولایت فقیر و قسول داشتن الزامی نباشد. ... چون در این ده دوازده سال تمام تاکتیکهای دولت در رابطه با مسائل کارگری موفق نبوده. دولت بعد از جنگ و سرکوب کارگران و گروههای سیاسی، باید با مردم رودررو باشد و به همین جهت فکر می‌کنم کسانی که مثلاً" در هسته‌های مخفی باشند، در رأس حرکت‌های علنی قرار نگیرند.

کارگرانی که دنبال سازمان‌های سیاسی افتادند. یا این همه درگیری و کشته دادن، بخاطر این بود که خصلت رزمی داشتند، ولی خط و برنامه روشنی در کار نبود. ولی سازمان‌های سیاسی کاری کردند که جنبش کارگری ناغان شد. به همین جهت ده‌هت بعدی نسبت به سازمان‌های سیاسی در بین کارگران بوجود آمده. سازمانها خیلی باید کار کنند تا کارگران ما این خصلت مبارزاتی را در آنها ببینند و آن را بپذیرند. زحمت زیادی لازم دارد تا این حساب صاف شود! ممکن است مدت زیادی لازم داشته باشد، مهم نیست، چون همیشه طبقه کارگر نقش تعیین کننده دارد!

سازمان‌های سیاسی هم چون گذشته نباید حرکت کنند. جنبش مستقل طبقه کارگر را نباید با سازمان سیاسی مخلوط کنند. این رمز را نباید مخدوش کنند. دوباره نباید بگویند مثلاً "پالایشگاه تهران مال من است و پالایشگاه شیراز مال او! در سال ۲۵ حزب توده منافع شوروی را در نظر می‌گرفت، اینجا منافع فرقه‌ای عمل می‌کند. ... من فکر می‌کنم در حرکت آینده نقش تعیین کننده با طبقه کارگر خواهد بود نه سازمانهای سیاسی. ولی اگر سازمانها شعار درستی را انتخاب کنند، می‌توانند به یکدیگر بپیوندند! ... البته باید در نظر داشته

تأمین می‌شود. در حالیکه جمهوری اسلامی نیرویش را در جهت سرکوب طبقه کارگر گذاشته بوده دستگیر کرد، تبعید کرد، اخراج و اعدام کرد.

جنگ، کارگران را از هم جدا کرد و حس ناسیونالیستی را در بعضی‌ها بوجوئ آورد. خوزستان بعنوان ستاد رزمنده کارگران از بین رفت. کارخانه‌های زیادی تعطیل شدند و یا در جهت جنگسازماندهی‌گردیدند، کارگران را پراکنده و بیکار کردند بسیاری از خانواده‌های کارگران از بین رفتند. دیگر کارگران نمی‌توانستند حرفی اتمام کنند. در وضع بسیار بدی قرار گرفتند. جمهوری اسلامی می‌خواست در مقطع جنگ طبقه کارگر را از صحنه بردارد و حتی اسمش را دم عوض کند!

بعد از جنگ و چشم اندازی که نسبت به بازسازی هست. می‌بینیم که قضیه دارد کم کم شکل می‌گیرد، جمهوری اسلامی با تصویب قانون کار قبول کرد که در یک طرف طبقه سرمایه دار وجود دارد و یک طرف ضربه‌گیر. و دیگر اینکه همه کارگرند. خمینی کارگر است و خدا کارگر است. منتفی شد. طبقه کارگر در حرکاتش علاوه بر خواسته‌های اقتصادی، می‌خواهد به جمهوری اسلامی بفهماند که باید وی را برسمیت بشناسد و بد حساب بیاورد.

در مرحله کمونی، برای کارگر بدست آوردن نان مهتر از تشکل مستقل و غنی است! اگر چه بدون تشکل نمی‌تواند نان را بگیرد. چرا طبقه کارگر بجای اینکه بگوید ۲۰ درصد افزایش حقوق میخواهم، نمی‌گوید تشکل مستقل میخواهم، به نظر من طبقه کارگر حس می‌کند که می‌تواند تشکل را از پائین داشته باشد و حرکت را بوجود بیاورد. می‌تواند آرام آرام تشکل را سازماندهی کند. در مرحله اول در ارتباط با تغذیه و نان و غذا و نیریه مسائل را مطرح می‌کند. تنها حرکات و اعتصابات پیاپی طبقه کارگر باعث خواهد شد که بعدها تشکل مستقلش را برسمیت بشناسند.

وقتی کارگران نفت در اولین بار اعتصاب کردند، خواسته‌هایشان را گرفتند، ولی حقوق روزهای اعتصاب را به آنها ندادند، کارگران به خاطر دو روز اعتصاب قلی یک هفته اعتصاب کردند تا هم حقوق آن دو روز را بگیرند و هم حقوق یک هفته اعتصاب بعدی را. بعد از آن، دیگر حقوق روزهای اعتصاب را می‌گرفتند. این موضوع از این نظر مهم است که رژیم شاه اعتصاب را غیر قانونی می‌دانست، ولی عملاً آن را پذیرفته بود.

در کارخانه‌هایی که اعتصاب شده، خود وزارت کار از کارگران می‌خواهد که نماینده انتخاب کنند، در حالیکه شوراهای اسلامی در این

گونی می‌کردند و با هلی‌کوپتر از بالا در رود کارون می‌انداختند؟

در زمان علی امید در شرکت نفت، انگلیسیها در آبادان از آب سرد کن استفاده می‌کردند، کارمندان یک صندوق یخی داشتند که شیشه‌های آب را داخل آن می‌گذاشتند، اما کارگران سطل آب خوردن را با گونی می‌پیچیدند و آن را در سایه می‌گذاشتند. یک روز علی امید روی یک تانک رفت و گفت. سه روز مهلت دارید! اگر به کارگران آب یخ ندادید، من خودم را از بالا به پائین پرت می‌کنم!

کارگران در محل جمع شدند و یک تجمع عظیم کارگری سه وجود آمد، و روز دوم مجبور شدند برای کارگران محزن آب یخ تهیه کنند.

وقتی حزب سرکوب شد، علی امید را رها کرد، او به تهران رفت. در سال ۵۰ یا ۵۱ بود که در روزنامه نوشتند. (علی امید مرد!) بعدها معلوم شد که او در حمام کیستکی می‌کرده و در همانجا مرده. این سرنوشت یکی از رهبران کارگری است.

اما وضعیت از بعد از انقلاب فرق می‌کند، طبقه کارگر در دوره انقلاب در صحنه بود و از انقلاب تجربه اندوخت. تا امروز طبق لیستی که داریم جمهوری اسلامی بیش از ۵۰۰ نفر از رهبران کارگران را کشته است. ولی نمی‌تواند همه کارگران را بکشد. در اعتصاب کفش ملی ۷۰۰ نفر را دستگیر کردند، ولی ناچار شدند آنها را آزاد کنند.

پس سرکوب یکی از معضلاتی بود که باعث عدم انتقال تجربه از نسلی به نسل دیگر بوده. دیگر اینکه طبقه کارگر ایران یک طبقه جوان بوده و هنوز هم جوان است.

بعد از رفوم ارضی و تشکیل کارخانجات مختلف، یک قشر جدید از کارگران که تازه وارد کارخانه شده بودند و حس می‌کردند که وضعشان بهتر از گذشته است و رفاه نسبی بدست آوردند. هر کر خودش را می‌دید، فوقش محدوده کارخانهای را می‌دید و در جهت ایجاد ارتباط سراسری نبود. تفرقه‌هایی هم که در بین طبقه کارگر بوجود آمده باعث شده بود که جلو خیلی از حرکتها گرفته شود.

وقتی مجاهدین صاحب می‌کردند و بنی‌صدر می‌گفت شورا بی شورا و شورا را بی محتوا اعلام میکرد، حرکتی علیه این دیسید راه نیافتاد چونکه نیرومیرد. یکی میگفت سندیکادریست است دیگری میگفت اتحادیه و هرکس چیزی می‌گفت. عدای هم صفشان را جدا کرده و کارگران مسلمان را تشکیل دادند و رفتند دنبال شوراهای اسلامی. بعضی از سازمانهای سیاسی می‌گفتند اینها ضد امیرالیه است هستند. عدای توهم داشتند و فکر می‌کردند در انقلاب منافعی

- ۲ -

ترجمه مصاحبه با آلن تورنت یکی از فعالین جنبش کارگری بریتانیا

پیدایش و رشد اتحادیه های صنفی - کارگری در بریتانیا

دنباله بخش اول

بغایت محافظه کارانه داشتند.

درباره طبقه کارگر انگلیس باید ملاحظه داشت بعلت اینکمربیتانیا یکی از کشورهای عمده امپریالیستی بود، طرز تفکر امپریالیستی شدیداً بر کشور غالب بود و طبقه کارگر نیز با امپریالیستها همکاری می کردند، در هر جنگی که سرمایه داران براه انداختند طبقه کارگر جذب تب و هذیان کوئی، می کرائی شوینستی قرار گرفت و از جنگ پشتیبانی کرد.

این مشکل بزرگی بود. همچنین نژادپرستی مطلق بر طبقه کارگر مستولی گردید. در قرن ۱۹، اوائل قرن ۲۰ این کشور کاملاً تحت افکار نژادپرستانه قرار گرفت بود و مبارزاتی بر طبقه استخدام کارگران جینی صورت گرفت نظریکه کارگران خواستند جلوی ورود کارگران خارجی به بریتانیا گرفته شود.

ب- آیا این حقیقت دارد که جنبش اتحادیه های صنفی در بریتانیا مخالف کارکردن و استخدام زنان بود؟

ج- سؤال جالبی است، بله اتحادیه ها تماماً از کارگران مرد تشکیل شده بودند تمامی اعضا اتحادیه های صنفی - حرفه ای مرد بودند. اما پس از آغاز جنبش اتحادیه های جنید تعدادی از زنان - زنانی مانند النور مارکر (دختر کارل مارکر) که در سازماندهی اتحادیه کارگران کار فعال بود و تجربه اعتصاب دختران کربیت ساز در سال ۱۸۸۸ (بدلیل استفاده از گوگرد که پوست را از بیسن میبرد و شرایط طاقت فرسای محیط کار و وسایل کار که باعث نفی عضو در آنان می شد.) برای زنان دیگر سرمشق جهت مبارزه آنان گردید.

در آغاز قرن بیستم اعتصابات وسیعی توسط زنان بخصوص در صنایع چاپ و پارچه بافی سازماندهی شد، زنان کارگر با پیوستن به اتحادیه ها وارد میدان مبارزه گردیدند و اتحادیه های بوجود آوردند که تنها شامل زنان می شد. در صنعت چاپ حتی اتحادیه عمومی زنان تشکیل شد، زنان در آلمان فکر می کردند که جانشینی اتحادیه مردها برایشان وجود ندارد آنها اتحادیه های خود را بین سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ تاسیس کردند.

این تحول و رشد عظیم باعث گردید که در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۳ جنبش حق رای برای زنان بوجود آید، وسیع بسودن و عظمت این جنبش باعث گردید که فشار مستقیمی بر دولت

قبل از انتخابات عمومی سال ۱۹۰۶ تا اوائل دهه ۱۹۲۰ حزب کارگر در مناطق محلی شروع به شکل گیری نمود. اتحادیه های صنفی کارگری و حتی شورای اصناف متگر سازماندهی حزب کارگر در مناطق مختلف بودند.

رکود اقتصادی ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۰ اکنون پایان یافته بود و اوائل قرن بیستم تا شروع جنگ جهانی اول هنگام رونق اقتصادی کشور بود. در این دوره مبارزات اتحادیه های صنفی کارگری گسترش فراوان یافت و تا قبل از آغاز جنگ کارگران زیادی در اتحادیه ها متشکل شدند همچنین اعتصابات بی دری در صنایع پارچه بافی و تولید لباس و صنایع دیگر صورت گرفت کارگران خواستار متشکل شدن در اتحادیه ها بودند و دائماً بر اعضای اتحادیه ها افزود می شد. با شروع جنگ جهانی همه چیز دگرگون شد. از جنبه سیاسی حزب کارگر که عضو بین الملل بود کاملاً از این جنگ امپریالیستی حمایت نمود و باعث دوستی در صفوف طبقه کارگر گردید. در حقیقت احزاب کارگر بین الملل دوم کشورهای متخاصم امپریالیستی از سرمایه داران کشورهای خود پشتیبانی کردند. این نقطه گت در بین الملل دوم و جنبش جهانی کارگری بود و باعث دو دستی گردید که بالاخره منجر به پایتکاری بین الملل سوم شد.

در زمان جنگ اتحادیه های صنفی کارگری مشوق پیوستن کارگران و مردم به جنگ شدند کاملاً جذب هذیان کوئی و تب وطن پرستی که مبلغ آن سرمایه داران جنگ طلب بودند، گردیده و به اسـزاری در دست آنان بدل شدند.

چندین اعتصاب عظیم هنگام شروع جنگ در جریان بود که همه خاتمه یافته و همه چیز در خدمت جنگ امپریالیستی قرار گرفت، این وضعیتی بود که سرعت پس از خاتمه جنگ اول جهانی دگرگون شد.

سوالات در مورد بخش اول

ب- در این دوره رهبران اتحادیه های اولیه صنفی چگونه با نظام حاکم بر کشور برخورد می کردند و برداشت آنان از حاکمیت چه بود.

ج- رهبران اتحادیه چون دید سوسیالیستی نداشتند، بنابراین تضاد ریشخای و عمیق با دولت و نظام موجود نداشتند، آنها بیشتر به منافع تنگ نظرانه خود و منغشان توجه داشتند و دیدی

ارگان رسمی خود نمود.

ب- یکی از مشکلات کارگران کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) این است که هنگام مبارزه برای وضع اقتصادی بهتر، بیکاری و غیره با سرکوب شدید، دستگیری و اعدام روبرو هستند، جنبش کارگری بریتانیا برای دست یابی به خواسته هایش با جدی مشکلاتی روبرو بوده است.

ج- در بریتانیا اختناق بصورت و اشکال دیگری وجود داشته است قانون منع تشکل در قرن ۱۹، (شهادی) اتل پادل که برای ۲۰ سال در سال ۱۸۳۴ به استرالیا تبعید شدند، گرچه با تشدید مبارزات کارگران نظام حاکم مجبور به برگرداندن آنها قبل از اتمام دوره تبعید گردید، از آن زمان تاکنون خفقان به آن صورت که در کشورهای جهان سوم وجود دارد، در اینجا وجود نداشته است بیشتر به شکل جرمه و جلب دارائیهای اتحادیه بوده است در چندین مورد زندان و برگرد وجود نداشته است مثلا در سال ۱۹۷۴ هنگام اعتصاب کارگران باراندازها در لندن و اعتصاب ۱۹۸۴ کارگران معادن فثال سنگ مورد حمله و یورش وحشیانه پلیس قرار گرفته اما این وضعیت با کشورهای در حال توسعه قابل مقایسه نیست زیرا بریتانیا دارای یک دموکراسی بورژوازی است و نبردهای زیادی که طبقه کارگری سالها مبارزه با سرمایه داران نموده آنان را وادار کرده که امتیازاتی برای کارگران و مردم قایل شوند و این با کشورهای جهان سوم که سرمایه داران با استفاده از ارتش به کشتار کارگران میروند و کارگران را زندان و اعدام و یا مقبولاتر می کنند کاملا متفاوت است.

د- جریان زندانی شدن (جان مک لین) یکی از فعالین جنبش کارگری اسکاتلند چه بوده است.

ه- کارگران در زمان جنگ زندانی شدند، در جنگ جهانی دوم معدنچیان فثال سنگ بخاطر اعتصاب زندانی شدند. جرمشان شکستن قوانین زمان جنگ بود. قوانین زمان جنگ با حالت عادی فرق میکند، این فرق زیادی با کشورهای جهان سوم دارد که خفقان بشکل استعماری و روزه است در بلکسور دارای دموکراسی بورژوازی مثل بریتانیا، شکل خفقان روزه نیست، در موقعیتهای غیر عادی آن شکل خفقان اتفاق می افتد.

و- تفاوت اتحادیه های صنفی قرن ۱۹ و اتحادیه های کنونی چیست فکر نمی کنید تا حدودی با هم شابهت دارند زیرا هنوز هم تشکل تا حدی بر پایه صنف است.

ز- شکی نیست که اتحادیه های کارگری جدید تاثیر بزرگی بر تمامی اتحادیه ها گذاشتند. همگی ناچار شدند حول محور طبقه کارگر و افکار سوسیالیستی استوار گردند. تا سال ۱۹۲۰ بیشتر اتحادیه ها

وارد شود جنبش مذکور دارای دو جناح بود، یک جناح خواهان فعالیت در چارچوب قانون اساسی بود و جناح دیگر معتقد به عمل مستقیم بر علیه دولت، افراد این جناح خود را با زنجیر باطراف حصار پارلمان بستند و مانع رفت و آمد گردیدند و از این قبیل حرکات. این جناح و خطش سرعاً در میان کارگران گسترش یافت اما با شروع جنگ جهانی اول دست از فعالیت کشیدند و هم در خواستهایشان را بنفع جنگ کنار گذاشتند.

پس از پایان جنگ نظام حاکم بدلیل تحولات دیگری که جنگ صورت گرفته بود مجبور به دادن حق رأی به زنان شد. در زمان جنگ همه مردان به میدان جنگ به فرانسه فرستاده شده بودند و بناچار توده های میلیونی زنان را وارد کارخانه ها کردند تا به تولید مهمات برای جنگ بپردازند لیکن پس از پایان جنگ تعداد وسیعی از آنان را اخراج کردند، اما در این هنگام زنان کارگر در اتحادیه های زیادی متشکل بودند و پس از جنگ دولت ناچار شد در انتخابات عمومی به زنان نیز حق رأی بدهد وضعیت بکوتاهی بود که غیر ممکن بود به زنان حق رأی داده نشود زیرا جنبش بسیار عظیمی حول این مسئله شکل گرفته بود. جنگ جهانی اول مصادف با شروع رشد جنبش کارگران کارگاهی (Shop Stewards Movement) بود.

ک- از آن زمان تاکنون برجسته ترین جنبش اتحادیه های صنفی کارگری می باشد.

در هنگام جنگ جنبش اتحادیه ها زمینه بسیار مناسبی برای گسترش فعالیت خود داشتند زیرا تولید مورد احتیاج فراوان بود. همه کارگران کار داشتند و کارفرمایان و سهامداران شدیداً محتاج به نیروی کار کارگران بودند، بنابراین سرمایه داران مجبور بودند به درخواست کارگران جواب مثبت دهند. این تحول و جنبش رشد نمایندگان اصلی کارگاه بخصوص در منطقه کلاید Clyde اسکاتلند در صنایع فنی مهندسی رشد بسیار یافت لیکن دوباره پس از جنگ افت بسیار نمود.

جنبش نمایندگان اصلی کارگاه پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در شوروی هیتی را به نمایندگی از خود به دستار رهبران جنبش کارگری شوروی و آموزگار کبیر ایشان لنین فرستاد و پس از آن قبل از ایجاد حزب کمونیست بریتانیا نشریه کارگر را بچاپ رساند که بعداً به ارگان رسمی حزب کمونیست بریتانیا تبدیل شد. با انحراف این حزب و غلطیدن سوسیالیسم و تغییر نام نشریه به ستاره صبح حزب کمونیست (مارکسیست لنینیست) بریتانیا که با طرد ریزی سوسیالیسم خروشنجی در سال ۱۹۶۸ تشکیل شد، نشریه کارگر (The Worker) را

اقلا در شکل برابری منا قرار داشتند بنابراین اتحادیه‌های صنی شکل خیلی ویژه از بین رفتند. اما بهرحال نرسد و رسوم صنی در داخل اتحادیه‌ها هنوز وجود دارد. در اتحادیه‌های مختلف این وضع متفاوت است مثلا اتحادیه جاپ با اتحادیه‌های عمومی فرق زیادی دارد، بنابراین رسوم ادامه یافته. لیکن اوضاع نسبت به نرن ۱۹ متفاوت است.

۱- آیا جنبش (جارتیستا) جنبش طبقه کارگر بود و یا طبقات دیگر؟
 ۲- جنبش به وسیله روشنفکران برجسته رهبری می‌شد و بنیان گذاشته شد و جنبشی خلقی بود جنبش جارتیستا، تظاهرات و عملیات بسیار بزرگی را سازماندهی و پیاده کرد از قبیل راهپیمایی به طرف پارلمان بریتانیا و گردهمایی‌های تودم‌ای، این جنبش اکثریت کارگران را به خود جلب کرده بود و اکثریت آنها در اتحادیه‌ها متشکل بودند اما بطور کلی این یک جنبش عمومی بود که اقشار مختلف مردم را حول مسائل مختلف گردآورده بود و مبارزه برای حقوقی را که کاری بس بزرگ بود سازماندهی کرد.
 ۳- سوسیال دموکراسی یا بین الملل دوم مسئول ساختن اتحادیه‌ها در آلمان و فرانسه و جاهای دیگر بود، اما اوضاع در بریتانیا ترقی می‌کرد، در آلمان سوسیال دموکراسی انقلابی بود و لنین و دیگران از رهبران آن بودند، چه زمانی و چرا طبقه کارگر بریتانیا از لیبرالیسم برید و به سوسیالیسم و بین الملل دوم ملحق شد؟

۴- من فکر می‌کنم باید گفت طبقه کارگر بریتانیا در خود تعداد فراوان دارد. مراحل اولیه رشد اتحادیه‌های صنی بود محافظه کاری سیاسی که از لیبرالیسم سرچشمه می‌گرفت به سوسیال دموکراسی روی آورد. در این روند سوسیال دموکراسی شکل ملط بر طبقه کارگر بود که منتهی به ایجاد یک کنگره واحدا اتحادیه‌های کارگری و صنی گردید و ایندولود حزب کارگر در رأی این اتحادیه‌ها بود. حزب کمونیست بریتانیا (حزبی که اکنون انشعابی از آن به اروتکونیسم در غلطیست و انشعاب دیگر به نامان روتیونیسم) در روزهای کندر اوج قدرت بود نیز در اقلیت قرار داشت و علی‌رغم تاثیر بسیار مثبتی که در روند حرکتی طبقه کارگر بریتانیا داشت هیچگاه نتوانست (کارگریسم) حزب کارگر را به مبارزه بطلبد و آنرا جذب خود کند. طبقه کارگر بریتانیا با اینکه خیلی سریع توانست اتحادیه‌های صنی را سازماندهی کند اما بعدا مبتلا به (کارگریسم) خیلی قوی شد، این همیشه مشکل بزرگی بود است جنبش واحد اتحادیه‌های

صنی کارگری و کنگره واحد اتحادیه‌ها T.U.C که در تمامی سطوح به حزب کارگر متصل است در نیمه ملط بر حزب کارگر را به جنبش کارگری ستولی کرده و بنابراین مارکسیسم پابگاش در طبقه کارگر بسیار ضعیف گردید است.

اما در اروپا و مناطق دیگر اوضاع به نحو دیگری بود، اتحادیه‌های کارگری بر پایه خط سیاسی احزاب سازماندهی شدند و احزاب کمونیست و مارکسیست‌ها در یک دوره فدراسیون اتحادیه‌های کارگری خود را داشتند این اوضاع متفاوتی را پادآور می‌شود و معنایش این است که طبقه کارگر بریتانیا کمتر سیاسی بود و بیشتر اتحادیه‌های در مقایسه با کارگران دیگر کشورها. این هم نقطه ضعیفی بود هم نقطه قوت، نقطه ضعف زیرا در مراحل حساس و تاریخ ساز ضعف سیاسی طبقه کارگر بریتانیا باعث شکست های زیادی برای این طبقه بود است. نقطه قوت بدین منظور که اتحادیه‌ها ساسر مقاطعی بسیار قوی و قدرتمند گشتند.

این پدیده یا تحول از لیبرالیسم به سوسیال دموکراسی هنوز هم فکر می‌کنم در طبقه کارگر بریتانیا رواج دارد.

۵- جنگ جهانی اول چه تاثیری بر رشد طبقه کارگر در بریتانیا گذاشت و به چه موارد اشتغال و بیکاری. آیا در نتیجه جنگ نرخ اشتغال بالا رفت و یا بالعکس بود؟

۶- اشتغال بالا رفت. سرمایه‌داران محتاج بیش از حد نیروی کار بودند آنها ارتشی در حدود ۳/۵ میلیون نفر وارد میدان جنگ گردیدند بنابراین محتاج به هر شخصی بودند که می‌توانست جریج کارخانجات را حرکت درآورد که همین مسئله باعث شد که پس از جنگ دوره مبارزه عظیمی در تاریخ طبقه کارگر بریتانیا بوجود آید، از طرفی همه مشغول کار بودند، وضعیت عینی جنگ تاثیر زیادی بر روحیه کارگران گذاشته بود و واقمیت انقلاب شوروی و تاثیر مثبت آن بر پیشروان طبقه کارگر، روحیه مبارزاتی آنان را دو چندان کرده بود در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ دوره رشد عظیم اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا بود، این دوره نه فقط با انقلاب شوروی بلکه با حوادث انقلابی در آلمان و اروپا همزمان بود، این دورهای بسیار مهم و با توان انقلابی بود اشتغال کامل در هر دو جنگ بین الملل وجود داشت و همه بخصوص زنان مشغول کار و تولید بودند.

(بقیه در شماره آینده)

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

حق تشکل مستقل، کلیدی ترین مطالبه کارگری

باززه برای داشتن حق تشکل مستقل، بمثاله یکی از ابزارهای مهم مبارزاتی کارگران، و کلیدی ترین مطالبه کارگری، در جهت رسیدن به حقوق حقه خویش، بدون تردید یکی از نیازهای اصلی و مسئله همیشه کارگران طی سالها حکومت سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی بوده و هست، چرا که از همان ابتدای قدرت گیری جمهوری اسلامی سرکوب و برجیده شدن شوراهای واقعی کارگران که در سالهای اوایل قیام تشکیل و تا حدود سال ۶۰ در بسیاری از کارخانها و بخشهای تولیدی، اعمال قدرت می کردند، در دستور کار حکومت ج ۱۰ قرار گرفت، و رژیم، گذشته از سرکوب مستقیم این شوراها و دستگیری و کشتار رهبران آنها، همیشه در صدد آن بود که تا از هر راه ممکن، اسم از ایجاد اختناق و خفقان برجو کارخانها تا تدوین آئین ناممکن و مقررات کارگری و در نهایت سر تدوین و تصویب قانون کار ارتجاعی را راه را بر ایجاد و برپائی خرگوبه تشکلهای مستقل و واقعی کارگری از سوی کارگران بسته و آنها را غیر قانونی، خلاف شرع و اسلام و سرمایه اعلام نماید.

در ادامه چنین روشهای سفایت ارتجاعی و مذبحخانه رژیم بودو هست که هربار قانون کاری به مجلس اسلامی رفته و یا بتصویب "شورای نگهبان" سرمایه و رهبری اش رسیده، نه تنها تمام راهها بر سر ایجاد چنین تشکلهائی بسته شده، بلکه جهت فریب افغان و دامن زدن به توهمات، تشکلهای خود در آورده اعم از انجمنهای اسلامی کارخانه تا شورای اسلامی کار از سوی سرمایه داران و حکومت حامی آنها عنوان و از طریق عاملین خود فروختشان در مراکز تولیدی و صنعتی تشکیل گردیدند، که بعنوان ارگانهای سرکوب و لانههای جاسوسی عمل کردند.

اما با این وجود و در شرایط سرکوب شدید و اختناق حاکم بر محیطهای کارگری و تولیدی حتی تحت فشار کنترلها و خیرچینی ها و تهدیدات لانههای جاسوسی انجمنهای اسلامی و سایر شاخکهای حسی سرمایه داران و رژیم سرکوبگر، مبارزات کارگری بر بستر اعتراضات گسترده حتی به ابعاد ۱۲ هزار نفری آن، بر علیه کارفرمایان و دولت حامی آنها، جریان داشته است. رشد جنبش کارگری حول مطالبات پایستی خود، طی سالهای گذشته به یکی از اساسی ترین معضلات و مشکلات جمهوری اسلامی تبدیل شده است. شدت و عمق این معضلات تا آنجا بودست که به اختلافات و تضادهای درونی حکومتیان دامن زده البته نه در جهت منافع کارگران و یا در دفاع از آنها، بلکه در چگونه سربریدن آنها با پنبه، یا با چاقو و ساطور اسلام - برخی از سران رژیم صلاح اسلام و سرمایه را در آن می بینند که برای سرکوب جنبش

کارگری باید به حربه سرکوب مستقیم متوسل شوند و برخی نیز حربه سرکوب توأم با فریب پنا، کارساز می دانند.

در ادامه چنین اختلافاتی است که قانون کار اخیر رژیم در مجلس اسلامی به تصویب نرسید. آهم بخاطر اختلافات بین شورای نگهبان و مجلس اسلامی بر سر برخی مواد مندرج در قانون کار. و بدین سبب مجلس اسلامی از تصویب، عاجز می ماند. و لاجرم، قانون کار جهت تصویب نهائی به "مجمع تشخیص مصلحت نظام" ارجاع میشود. سرانجام این قانون ضدکارگری با هرچه محکم تر ساختن زنجیر استبداد و استثمار به دست و پای کارگران، مشتمل بر ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره از تصویب نهائی گذشته و به دولت ابلاغ می گردد.

در فصل فصل و ماده به ماده این قانون که بنگری، نه تنها خیری از منافع کارگران نیست و راه ترقی و رفاه آنان بسته شده است نه تنها حق هیچ گونه اعتزافی و اعتماد برای کارگران به رسمت شناخته نشده و حتی به کارگران داده نمیشود، بلکه در مهمترین فصل آن یعنی "فصل ششم تشکلهای کارگری و کارفرمایی" هم هیچ اشاراتی به حق تشکل مستقل کارگران نمیشود، و در هرابر از تشکل یابی و قدرت واقعی شوراهای کارگری، همچنان بر وجود و تأسیس "انجمنهای اسلامی" "شوراهای اسلامی کار" و کانونهای هممانگی "کانون عالی هممانگی" این تشکلهای اسلامی و فرمایشی تاکید شده است.

در ماده ۱۳۱ این قانون اشاراتی به انجمنهای صنفی کارگران رفته است که در حقیقت این انجمنها نیز نه تنها انجمنهای صنفی واقعی کارگران نیست، بلکه کارگران هیچ نقشی در تأسیس و تصمیمات و اجرائیات این انجمنها ندارند. حدود و اختیارات و وظائف این انجمنها را نیز طبق تبصره ۲ همان ماده، وزارتخانههای کار و امور اجتماعی، کشور و سازمان تبلیغات اسلامی تعیین و مقدر می نمایند. یعنی این نیز نه تنها لانه جاسوسی و چماق سوم بر سر کارگران بعد از "شورای اسلامی کار" و "انجمنهای اسلامی" است بلکه حربه دیگری برای جلوگیری از متشکل شدن کارگران در سازمانهای واقعی خویش است، اینجاست که حقیقت امر روشن میشود: قانون کار اخیر مصوب جمهوری اسلامی نیز که توسط رئیس مجلس کروبسید در سخنرانی روز هشتم اردیبهشت اسال، مرقی ترین قانون کار جهان در سایه جمهوری اسلامی و مجلس آن، "معرفی می گردد، نه تنها هیچ نقشی و حتی به کارگران در تعیین حقوق حقه خویش نمیدهد بلکه متشکل شدن کارگران را در تشکلهائی که خود بوجود می آورند تا مرخصی برای چانه زدن بر سر فروش نیروی کار و یا اعلان و درخواست سایر حقوق صنفی شان باشد خلاف شرع، اسلام و سرمایه و در سبک

فراخوان به اتحادیه‌های کارگری

سزده سال حاکمیت ج.ا.ا، سزده سال سرکوب سیستماتیک مردم بویژه طبقه کارگر ایران است.

کارگران که نقش تعیین کننده‌ای در انقلاب مردمی بهمن ۵۷ داشتند از اولین قربانیان رژیم ج.ا.ا بودند. اعتصاب مشهور سراسری کارگران صنایع نفت و کارگران مطبوعات، برجسته ترین اعتصابات سیاسی-مطلبی انقلاب ایران بودند. بدون این حرکات مبارزاتی شاید مردم ایران موفق به سرنگونی سلطنت پهلوی نمی‌شدند. طبقه کارگر ایران با انقلاب بهمن بر تجربیات سیاسی و صنفی خود افزود و آنچه را که در زیر

سرکوب سیاه سلطنت آموخته بود بکار بست که نتیجه بلاواسطه آن تشکیل شوراهای کارگری در کارخانه‌ها و تلاش برای ییگر بخشیدن به استقلال عمل کارگری در کارخانه بود. این عمل به مثابه اولین اقدام جدی بر علیه رژیم ضدکارگری ج.ا.ا بی پاسخ نماند. کارگران که سعی در سازماندهی حیات اجتماعی خود داشتند مورد سرکوب شدید سازمانهای نظامی-سیاسی رژیم قرار گرفتند. در این دوره تلاشهای سندیکالیستی کارگران برای حفظ و برسمیت شناساندن حقوق صنفی ای که در رژیم گذشته کسب کرده بودند نیز از تعریف رژیم محو نماند. ج.ا.ا در آغاز به دلیل وجود دمکراسی نیم بند اوایل انقلاب مجبور به تحمل سازماندهی

رفقا هنوز که هنوز است سرمایه‌داران و دولت حامی آنها از یادآوری این خاطرات برخوردار می‌نمایند. آنها از یاد نبرده‌اند که حرکات شوراهای کارگری در اثناء سوجدوشها و عوامفریبی‌های رژیم و سرمایه‌داران عزل و نصب مدیران و ایجاد بسیاری از اقدامات انقلابی دیگر چه نقش بسزایی در نابود کردن آگاهی صنفی و سطح دانش سیاسی کارگران داشتند.

آری رفقا! اینها تنها مختصری از سابقه مبارزاتی کارگران ایران و رفقای ما در گذشته است. و اما اینک همین رفقای ما با ارتجاعی‌ترین قانون کاری در سایه اسلام و جمهوری آن روبرو هستند که داشتن هرگونه تشکل مستقل از آنها سلب شده و حتی گردهم جمع شدنهای دوستانه هم چه در محیط کارخانه‌ها و چه در محله‌های زیستگاه گناه کبیره محسوب و با عواقب تلخ و مجازاتی سنگین تواءم است. چرا؟ بخاطر آنکه این حکومت، حرکتی منقر و فرستند کارگران در شوراها را تجرید کرده‌است.

حال با توجه به اشارات مختصر بالا پیرامون بر حقوقی کارگران در ایران وظیفه ما اعضا انجمن کارگران تبعیدی و سایر رفقای کارگر و آگاه و مبارز است که در دفاع از حقوق کارگران داخل و در پیشبرد اهداف انجمن و تحقق شعار محوری این نشریه، از هر امکان موجود و هر وسیله ممکن استفاده کرده و از ایجاد تشکل مستقل کارگری دفاع کنیم و در هر جایی که هستیم با کارگران آن کشورها و اتحادیه‌های آنان به گفتگو بپردازیم و از بی حقوقی هم طبقه‌های های آنان در ایران بگوئیم و در یک کلام، ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را افشا کنیم.

پس، دست من پیوند دست شما باد که چنین می‌کند.

پ. ک. کارگر عضو انجمن

۱۰ سپتامبر سال ۱۹۹۱

کدام خلاف منلحت نظام دانسته و خاطیان و متخلفین را با "توجه به شرایط خاصی و مراتب جرم، به مجازات حبس یا شلاق و یا هر دو، محکوم" نموده است. رفقا! داشتن حق تشکل کبیدی ترین مطالبه کارگری است. ابزار کربساز و اهرم قدرتند کارگران. جهت دستیابی به خواسته‌های برحقشان در مقابلند با سرمایه‌داران و حکومت‌های حامی آنان است. بهترین وسیله برچیدن شرایط تحمیلی ارسوی کارفرمایان همین اهرم‌های قدرتند مبارزه یعنی تشکلهای مستقل کارگری است. اکنون قریب به یکصد سال است که کارگران اکثر کشورها به این مطالبه مهم کارگری دست یافتند. کارگران ایرانی نیز به پیمای یک مبارزه خونین ضد سرمایه‌داران و حکومت‌های ارتجاعی آنان. از دهها سال پیش توانسته بودند به این مطالبه خود دست یافته و اتحادیه و سندیکاهای خود را سازمان دهند و در آنها متشکل شوند. حتی بعد از سرکوب این تشکلهای نیز رژیم پهلوی بطور کامل نتوانست سندیکاهای و اتحادیه‌ها را برچیند و لذا به پذیرفتن آنها در ظاهر هم کشده بود تن داد.

هنوز در خاطره‌ها مانده است که کارگران در بحبوحه قیام و به ویژه پس از آن، پیشرفته ترین شکل تشکلهای کارگری، شوراها را در سراسر کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و گروه‌های صنعتی بوجود آوردند و به بسیاری از خواسته‌های خود دست یافتند. به آنکه همین شوراها قدرتند بود که توانستند در برخی کارخانجات دست به کنترل کارگری بر تولید بزنند، سرمایه‌داران جنایتکار و جاسوسان وابسته به ساواک شاهنشاهی در مراکز کارگری و کارخانجات را محاکمه کنند بسیاری از سرمایه‌داران و کارفرمایان را از کارخانه‌ها بیرون کردند از آنها خلع ید نمایند.

در بسیاری موارد جلوی انواع توطئه‌های سرمایه‌داران مبنی بر تعطیل کردن کارخانه‌ها، ایجاد بازار سیاه و بالا بردن قیمت‌ها بایستند و نقشه‌های خائنه آنها را در هم بزنند.

غیر انسانی ترین وجه خاموش کرده‌است. آخرین نمونه‌های این اعمال بزم‌شانه دستگیری دوتن از کارگران پیشرو به نام‌های جهان چراغ‌بوسی و عبدالله بیوسه بود. جهان کارگر سازمان آب سنج و سختران مراسم اول ماه مه ۸۹ که چندماه قبل از اول ماه مه ۹۰ دستگیر و اعدام شد و عبدالله کارگر فعال اتحادیه نانوایان مریوان (کردستان ایران) که در پانز ۹۰ (۶۹) اعدام شد.

در نتیجه اختناق و سرکوب وحشیانه حاکم بر ایران، بسیاری از فعالین جنبش کارگری مجبور به ترک کشور و اقامت در خارج شده‌اند. انجمن کارگران تبیعی ایران به مثابه بخشی از این گروه همچنان ارتباط خود را با مسائل حل نشده کارگران ایران حفظ کرده و در تبعید به توضیح وضعیت ناگوار کارگران در ایران و افشای اعمال ضد کارگری ادامه می‌دهد.

انجمن کارگران تبیعی ایران اتحادیه‌های آلمان (ویا اتحادیه کشور مریوض) را فرا می‌خواند که به جمع دیگر سازمان‌های معترض کارگری جهان بپیوندند. و همواره با آنان به سیاست‌های ضد کارگری رژیم ج.ا. و حضور نامسنگن آنان در سازمان بین‌المللی کار اعتراض کند. و از خواست‌های کارگران ایران در جهت کسب حق تشکل مستقل و حق اعتصاب حمایت نماید.

انجمن کارگران تبیعی ایرانی

بولسی ۹۱

لازمه توضیح است که این متن به زبان آلمانی ترجمه شده و در تمامی نشریات از آن استفاده خواهد گردید.

ما الان به اینجا آمده و اینجا زندگی می‌کنیم ولی یکسری دست‌های به ضقه کارگر ایران داریم. باید طوری حرکت کنیم که طبقه کارگر ببیند مدافعش هستیم، بامد هست وقتی خبر اعتصاب یلک روزه خوستان از رادیو عراق پخش شد، آنجان تشویق شدید کنند اعتصاب یلک هفته طول کشید! اگر بتوانیم وضعیت طبقه کارگران ایران را به مجامع بین‌المللی، رادیوهای بیگانه، نشریات مختلف، سازمان بین‌المللی کار و امثالهم ببریم و بتوانیم این‌ها را منعکس کنیم، بزرگترین خدمت را به طبقه کارگر کرده‌ایم. اگر رادیو بی بی سی یلک دمشق بگوید که طبقه کارگر ایران فاقد تشکل است و ۰۰۰ اکسیر اتحادیما به کنفرانس بین‌المللی کار فشار بیاورند تا هیئتی را برای بررسی وضعیت اسفناک طبقه کارگر ایران بفرستند، این باعث بی‌آبرو شدن جمهوری اسلامی و ارتقا جنبش کارگری است. وظیفه روشنفکران تقویت این مسئله است. روشنفکران بایستی دست از گروه بازی بردارند. ما هیچ مشکلی با آنها نداریم، با تمام گروه‌ها حاضر به همکاری هستیم، ولی فقط مارک نزنند که این جنبش متعلق به ماست. جنبش کارگری متعلق به همه ماست.

طبقه کارگر بدون ایدئولوژی مارکسم و سوسیالیسم هیچ است و این ایدئولوژی توسط روشنفکران به درون طبقه هدایت می‌شود. اما بگذاریم طبقه کارگر آگاهانه حرکت مستقل خودش را پیش برد. وظیفه روشنفکران آگاه کردن این طبقه است.

صنفی کارگران بود ولی با تثبیت هرچه بیشتر حاکمیت خستود از برسمیت شناختن این تشکل‌های کارگری سرباز زد و فعالین جنبش کارگری را یکی پس از دیگری دستگیر کرد و تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داد. (طبق مدارک موجود، تا کنون بیش از ۵۰۰ تن از کارگران پیشرو به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.)

عوامل رژیم تحت عنوان انجمن‌های اسلامی کارگران در کارخانه‌ها دست به شناسایی، دستگیری و سرکوب کارگران پیشرو و مبارز و حقوق‌بگیر کرد برای اهداف صنفی کارگری فعالیت می‌کردند. انجمن‌های اسلامی با ایجاد اختناق و ارباب، کارخانه‌های ایران را به زندان آرم‌های کارگری تبدیل کردند و تا به امروز همچون سدی در مقابل شکل‌گیری هرگونه تشکل مستقل کارگری عمل می‌کنند.

یکی از مهمترین و میرترین اهداف مبارزات کارگری در ایران همواره تنظیم یک قانون کار انسانی و کارگری جهت تضمین حقوق کارگران بود. ص. ۱۰ پر از دوازه سال ملاحره قانون‌گری را از تصویب کشاندند که تنها تشکلهای اسلامی (وابسته به رژیم) را به رسمت می‌شناسد و حق تشکل سازمان مستقل کارگری را از کارگران سلب میکند. در این قانون هیچگونه حق اعتصاب برای کارگران در نظر گرفته نشده‌است. اکثر کارگران بیکار نیز در این قانون از هرگونه حقوق (حق بیکاری، بیمه اجتماعی، استفاده از تعاونی، بازرخرد، بازنشستگی) محرومند. رژیم ضدکارگری ج.ا. در طول عمر خود هیچ فرصتی را برای سرکوب مبارزات کارگری از کف نداد و هر صدای اعتراضی را به

مروری بر تشکلهای کارگری ایران ازمسحه ۱۰

کارخانه‌ها وجود دارند. یعنی خود وزارت کار هم پذیرفته که کارگران شوراهای اسلامی را قبول ندارند. تنها حرکات و اعتصابات پیاپی طبقه کارگر باعث خواهد شد که بعدها تشکل‌های مستقلش را برسمیت بشناسند. ولی الان نمی‌شود کارگران را حول شعار ایجاد تشکلهای مستقل به حرکت در آورد. من فکر می‌کنم پیشروان کارگران هم به این خاطر که نمی‌توانند کارگران را حول شعار ایجاد تشکلهای مستقل به حرکت در آورند، آنها را حول مسائل ملموس به حرکت درمی‌آورند تا جایی که دولت ناچار شود مثلاً در کارخانه ای که اعتصاب می‌شود، بگوید که ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب کنید و این آرام آرام باعث بوجود آمدن هسته‌های اصلی تشکلهای علنی مستقل می‌شود. در حال حاضر مانع بسیج پیشبرندگان حرکت در رابطه با ایجاد تشکل مستقل، عدم تحرك طبقه کارگر در رابطه با این خواست است.

سخنران در پایان، به وظایف کارگران ایرانی در خارج کشور و نقش روشنفکران اشاره کرد و گفت: